



نامه رهبر «جنبش اتحاد مسلمانان» جمهوری آذربایجان به خانم لیلا یونس

حاج طالع باقرزاده، رهبر «جنبش اتحاد مسلمانان» جمهوری آذربایجان با انتشار نامه ای از زندان خطاب به خانم لیلا یونس، مدافع حقوق بشر نوشت: «با تمامی وجود باور دارم همانطور که شما از زندان این حاکمیت شرور، آزاد و رها شدید، مردم جمهوری آذربایجان نیز از اعمال پلید و بی کفایتی این رژیم رها خواهد شد.»

به گزارش آران نیوز به نقل از پایگاه اینترنتی «کنناکت» جمهوری آذربایجان، طالع باقرزاده در این نامه خطاب به لیلا یونس، زندانی سیاسی پیشین نوشت: «زمانی که در زندان بودم، نتوانستم به نامه شما پاسخ دهم. در واقع، نتوانستم و لاعلاج ماندم. نمی توانستم احساساتم را بر قلم جاری سازم. علت نیز روشن بود. فردی که (خانم لیلا یونس) زبان گویا و مدافع حقوق محبوسان بی گناه و شکنجه شدگان بود، خود نیز بطور مشابهی به زندان افتاده و کتک خورده و محکوم شده بود. فراموش نمی کنم که شما در آن نامه خطاب به من نوشته بودید: «طالع! اکنون من می توانم راحت بمیرم، زیرا اشخاصی همچون شما برای حمایت از حقوق جامعه مان وجود دارند.» پس از این جملات دردناک، من نتوانستم به نامه شما پاسخ دهم... خدا شاهد است که حاضر بودم برای آزادی شما از زندان، آزادی خودم را فدا کنم. اما، چاره ای نداشتم. (من خود نیز همانند شما در زندان بودم). لاعلاج مانده بودم. همانند زمانی که دوستانم فرانیل (فرانیل بنیادوف، یکی از کشته شدگان حمله پلیس جمهوری آذربایجان به مجلس عزاداری در نارداران) را در مقابل چشمم با ضرب و شتم کشتند... اما، برغم تمامی این ها، باور داشتم که خداوند راهی را خواهد گشود و غیرممکن ها را ممکن خواهد کرد.»

طالع باقرزاده افزوده است: «حاکمیت جمهوری آذربایجان در 26 نوامبر 2015 با نامردی به قصبه نارداران حمله کرد و انسان ها را در حال نماز هدف آتش قرار داد. در نتیجه، چهار تن از برادرانمان شهید شدند. همچنین ما را به شدت شکنجه کردند و هدف اتهامات شدید قرار دادند. در همان روز، برغم اینکه سر و رویم غرق در خون و بینی ام شکسته بود، بازجویی ها آغاز شد. یکی از سوالات این بود: «چرا از لیلا یونس دفاع می کنی؟» گویی این سوال، برای من یک اشاره بود. زیرا، این مسایل چه ارتباطی می توانست به لیلا یونس، قهرمان ظریف ما (قهرمان حقوق بشر) داشته باشد؟ در همان روز، قلدراهی این رژیم، مرا برای گرفتن اعتراف علیه «شورای ملی» (ائتلافی از مخالفان دولت جمهوری آذربایجان) هدف شکنجه های غیرانسانی قرار داده بودند. من به یاری خدا جواب دادم که اعترافی نخواهم کرد. وقتی این را دانستند، شکنجه های خوفناک خود را ادامه دادند. در آن روزها، به شما نیز فکر می کردم و می دانستم که به شما نیز در زندان ظلم می کنند. وقتی به انسان های بی گناهی که از آزادی محروم شده بودند، می اندیشیدم، این شکنجه ها نمی توانست مرا تسلیم کند. به یاد دارم در روز هشتم دسامبر 2015 پس اینکه در زیرزمین بطور بی رحمانه ای شکنجه شدم و مرا به طبقه پنجم برای بازجویی بردند، به محض ورود به اتاق، نخستین سخن بازجویان این بود که «آیا خبر داری لیلا یونس آزاد شده است؟» وقتی این خبر را شنیدم، تمامی رنج و دردهایم را فراموش و خدا را شکر کردم که دعاهایمان برای آزادی شما را مستجاب کرد. ... خداوند مرا در زندان و تحت شکنجه های شدید، با خبر آزادی شما خوشحال کرد. آنها مرا به زندان انداخته بودند، اما روح آزاد بود و من به یاری خداوند متعال با شایستگی از آن شرایط خارج بودم و به همین خاطر، اکنون که این مطالب را می نویسم روسفید هستم. ما باز هم به ماموریت مقدس مان و مبارزه برای آزادی و رهایی ملت مان ادامه می دهیم. با تمامی وجود باور دارم همانطور که شما از زندان این حاکمیت شرور، آزاد و رها شدید، مردم جمهوری آذربایجان نیز از اعمال پلید و بی کفایتی این رژیم، رها خواهد شد. فرقی نمی کند که ما در آن روز بر روی خاک باشیم یا در زیر خاک. مهم این است که انسان هایمان در وطن خود عذاب نکشند، شکنجه نشوند و کتک نخورند و به کشور و دولت خود افتخار کنند.»